

راه صلیب

ولی ما مسیح مصلوب را وعظ می کنیم

که فراخوانندگان راه، ... قدرت خدا و حکمت خداست.

اول قرنتیان ۱: ۲۳ و ۲۴

As for us we proclaim the crucified
Christ ,...

1Corinthians 1:23 - 24



اولین فصلنامه بین المللی مسیحیان

سال هفتم شماره ۲۱ صفحه ۲۰ تیراژ ۳۰۰۰ نسخه فوریه ۲۰۱۸



آنانی که منتظر خداوند می باشند، قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد، خواهند دوید و خسته نخواهند شد، خواهند خرامید و درمانده نخواهند شد.

اشعیا: باب ۴۰ آیه ۳۱

ای پدر ما که در آسمانی

برسد فرمانروایی تو

خجسته باد نام تو

روان باد خواست تو بر روی زمین، چنان که در آسمان است.

نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما.

گناهان ما را ببخش، همچنان که ما نیز کسانی را که به ما بدی کرده اند می بخشیم.

ما را در آزمایش میاور، بلکه از بدی رهایی ده ... آمین!

www.payamsalib.com

رادیو پیام صلیب

R. P. S.

R. P. S.



رادیو پیام صلیب

راه صلیب

اولین فصلنامه بین المللی

ایرانیان مسیحی هلند

کلیسای Elim

سر دبیر:

M.Rahmany(Samuel)

rahesalib.elim@yahoo.nl

شورای تحریریه:

Gijs Van Den Brink

John Farhad

M.Rahmany(Samuel)

M.Hooshmand

Farah - Jahangir

همکاران این شماره:

Nahid Deryaiy

Maryam Azizi - Amir Azizi

Arezoo Gharibzadeh

N. Ezzati - M. Fatahy

A. Darsara - A. Ziyarati

www.facebook.com/rahe_salib

دوستان می توانند نسخه پی.دی.اف

فصلنامه را از لینک زیر دریافت نمایند:

<http://elim.nl/nl/over-elimrahe-salib.html>

فهرست مطالب

صفحه

قاصدک (راه های غلبه بر خشم و عصبانیت) ۳ - ۴

اندیشه ۱ (خدا نیستی ها را برگزید) ۵

آسمان در کتاب مقدس ۶ - ۹

شهادت ها (ن. عزتی) ۱۰ - ۱۱

اندیشه ۲ ۱۲

شهادت ها (مهشید فتاحی) ۱۳

زنان در کتاب مقدس ۱۴ - ۱۵

شهادت ها (احمد درسرا) ۱۶

شهادت ها (اکرم زیارتی) ۱۷

همراه با کلیساها (مصاحبه با پیمان شعبانلری) ۱۸ - ۱۹

لطفاً برای کمک مالی از شماره حساب بانکی زیر استفاده نمائید:

NL91ABNA0418102678 t.n.v. Elimprojecten, Doorn



راه های غلبه بر خشم و عصبانیت

آیه ۳۱ آمده است: «هر نوع تلخی، خشم، غضب، درشت خویی، ناسزاگویی و نفرت را از خود دور کنید». باید ترک خشم و عصبانیت کرد، از بدگویی توبه نمود و از انجام دوباره ی آن دوری کرد چون علاوه بر دیگران، در هنگام خشم و عصبانیت به خود هم صدمه می زنیم و اطرافیان را مکدر می نماییم.



باید در عصبانیت که منجر به زندگی در گناه می شود باقی نمانیم. در رساله افسسیان در باب چهارم آیات ۲۶ و ۲۷ چنین می خوانیم: «اگر عصبانی شدید، اجازه ندهید گناهی از شما سر بزند. پیش از آن که خورشید غروب کند، خشم را از خود دور کنید. زیرا اگر خشمگین بمانید، به شیطان فرصت می دهید که شما را به گناه وادارد.»

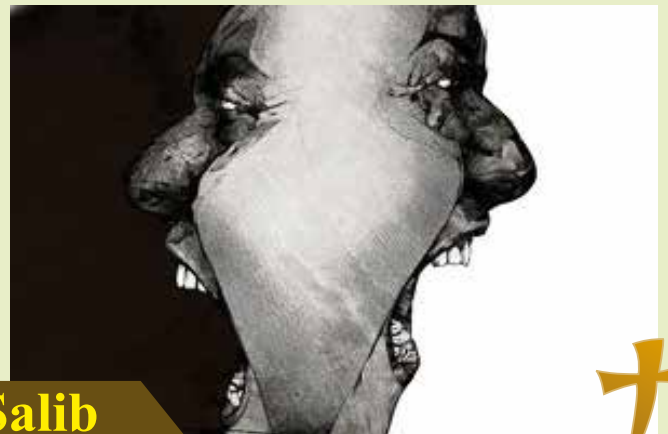
به یاد داشته باشید که عصبانیت همه را آلوده می کند پس نباید به شیطان و ابلیس مجال کار داد و باید به جای ظواهر امر خشم، با تعمق به ریشه ی عصبانیت نگاه و توجه کنیم و ریشه ی عصبانیت را خشک کنیم تا مشکل حل گردد. فرد نادان خشم خود را بروز می دهد و آدم دانا خشم خود را کنترل می نماید.

ریشه و اساس خشم را باید فهمید و درمان نمود. عصبانیت خود را باید متوجه گناه ساخت

در این دنیای مدرن و ماشینی که امروز زندگی می کنیم مهم ترین سؤالی که مطرح می شود این است که چگونه بر خشم و عصبانیت خود غلبه کنیم؟ چقدر در زندگی شخصی خویش عصبانی می شویم و چقدر آرامش مسیح را داریم؟

به عصبانیت باید به عنوان یک گناه مضر نگاه کرد و آن را در حضور خداوند و شخص مخاطب اعتراف کرد. باید مثل یک گناه بد به عصبانیت نگاه کنیم. خشم منجر به گناه و دل شکستگی می شود، خشم منجر به زخم زبان می گردد پس نباید در قبال خشم و عصبانیت بی تفاوت بود بلکه باید نزد خداوند اعتراف کرد و نباید خودمان را تبرئه کنیم. اگر اعتراف نکنیم، خشم و عصبانیت روی هم انباشته می شود و کینه و کدورت حاصل آن است. اگر گناه خود را اعتراف نکنیم شامل رحمت خدا نمی شویم.

باید با توجه به عواقب زشت و ناپسند خشم و عصبانیت از ارتکاب به آن توبه نمود و آن را ترک کرد. در رساله افسسیان باب چهارم





کرد. تفاوت و اختلاف نظر را امری طبیعی برای تکامل شخصیت خود بدانیم و اجازه ندهیم که در روابط ما با دیگران تأثیر منفی



بگذارد. باید در صورت نیاز برای رفع مشکل خشم و عصبانیت نزد مشاور و حکیم آگاه و حاذق یا شبان کلیسای خود مراجعه کنیم و در پایان چنان چه مشکل خشم و عصبانیت شما حل نشد آن را کامل به خدا بسپارید تا او از شما حمایت نماید، چون خداوند بدون منت و تاوان از شما حمایت می نماید.

در انجیل متی باب یازدهم آیات ۲۹ و ۳۰ آمده است: « یوغ مرا به دوش بکشید و بگذارید من شما را تعلیم دهم، چون من مهربان و فروتن هستم، و به جان های شما راحتی خواهم بخشید. زیرا باری که من بر دوش شما می گذارم، سبک است.»

خشم خود را نزد خداوند عرضه کنید تا او با آرامش خود، ما را آرام، مهربان و فروتن سازد و در پایان، به وسیله پری روح القدس بر خشم و عصبانیت خود تسلط یافته و آن را کنترل نماید.

آمین!

نه گناهکار؛ ما با مردم سر جنگ نداریم. **مشکل ما انسان ها نیستند، مشکل ما شیطان است. باید با حملات شیطان مقابله کنیم تا منجر به گناه نشود.** باید از طریق بررسی دقیق و حکیمانه در جست و جوی راه حل مشکل باشیم. خدا به ما عقل و درک داده است تا به کار ببریم. عقل، خشم را باز می دارد و عطای حکمت الهی نیز راه حل را به ما ارائه می دهد در رساله یعقوب باب یکم آیه ۱۹ آمده است: « برادران عزیز، به این نکته توجه کنید: بیشتر گوش بدهید، کم تر سخن بگویید، و زود خشمگین نشوید.»

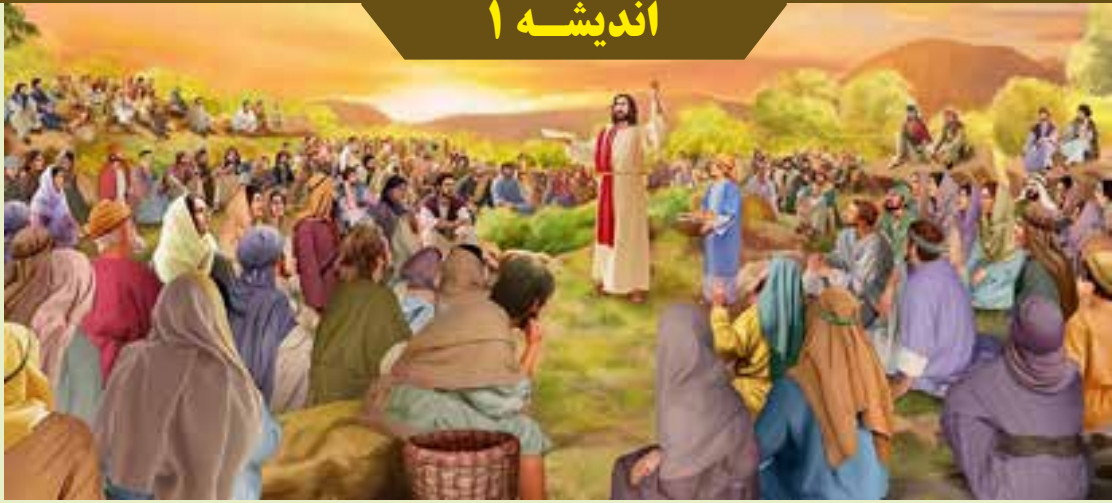
با روحیه ی مثبت و ملایم می توان شدت عصبانیت را فرو نشانند. در امثال سلیمان باب پانزدهم آیه یک چنین می خوانیم: « جواب ملایم خشم را فرو می نشانند، اما جواب تند آن را برمی انگیزاند.»



سخن تلخ، خشم و غیض را به هیجان می آورد، بدی را با بدی نمی توان برطرف کرد. با خشونت مشکل بدتر می شود. با مهربانی باید خشم خود را کنترل کرد، با اخلاق تند مشکلی حل نخواهد شد.

با وجود مشکلات متعدد و بی شمار زندگی راهی را باید پیدا نمود که بتوان به خشم و فشارهای عصبی تسلط یافت و آرامش پیدا





«خدا نیستی ها را برگزید.» اول قرنتیان ۱: ۲۸

آن صورت چه خواهد شد؟ این غیرممکن است هیچ کس وجود ندارد که چیزی برای آوردن به حضور مسیح نداشته باشد. به همین دلیل، کلمه یا حتی نماد صفر در کتاب مقدس قید نمی شود.

کسی که می گوید: «من هیچ ندارم»، یا «هیچ چیز نیستم»، لاقلاً می تواند شخص خود را نزد مسیح بیاورد. او یقیناً چیز با ارزشی دارا است که همانا خودش و منتهای فقرش می باشد. وی می تواند گناهانش را نزد مسیح آورد. پولس طرسوسی از شکنجه گری متعصب، به رسولی غیور تبدیل یافت. مریم مجدلیه از زنی گناهکار و بی بند و بار، بدل به قدیسی ثابت قدم در محبت گردید.

ضعف های خود را نزد مسیح آورید. این را مطمئناً دارید. قوت او، کاملیتش را در ضعف شما نشان خواهد داد.

با چیزهای اندک شروع کنید؛ اما به جای مصرف کردن، آن را نزد مسیح آورید؛ او آن را فرونی داده، رفیعاً برکت خواهد بخشید.

آمین!

«و آن هفت نان را گرفته، شکر نمود و پاره کرده، به شاگردان خود داد تا پیش مردم گذارند... پس خورده، سیر شدند»

انجیل مرقس باب هشتم آیات شش تا هشت

فرض کنید که شاگردان به جای آن هفت نان، فقط سه یا یک نان می داشتند، در آن صورت چه اتفاقی می افتاد؟ جمعیت به همان اندازه سیر می شدند؛ به عنوان مثال، در موردی دیگر، مسیح به جای هفت نان، فقط پنج نان در اختیار داشت.

با وجود این، حتی جمعیتی بیش از جمعیت قبلی سیر شدند و تعداد زیادی زنبیل پر از خرده نان باقی ماند (انجیل مرقس باب ششم آیات ۴۱ تا ۴۳).

شما می توانید با هر چیز اندکی که دارید، خدا را خدمت نمایید. برکات او به اندازه یا کمیت آن چه دارید بستگی ندارد، بلکه بستگی به این دارد که آنها را نزد خدا بیاورید.

فرض کنید که من چیزی نداشته باشم، در





* آسمان در عهد جدید:

در نگاه اول و با در نظر گرفتن موضوع آسمان در عهد جدید به موارد مهمی می توان اشاره کرد.

* **مورد اول** آن که کلمه یونانی آسمان ouranos پیش از دویست و پنجاه بار در عهد جدید آمده است که نشانگر اهمیت موضوع می باشد.

* **مورد دوم** آن که با مراجعه به کتاب فرهنگ لغات و بررسی کلمه « ouranos » نمی توان به واقعیت معنایی کلمه اشاره کرد. همین طور این کلمه به معنی فلک در عبارات پرندگان آسمان ها به عنوان مثال در انجیل متی باب ششم آیه بیست و شش و ابرهای آسمان در انجیل متی باب بیست و چهارم آیه ۳۰ آمده است.

همچنین این کلمه در مورد ستارگان آسمان هم استفاده شده است. به عنوان مثال ستارگان آسمان و قدرت های آسمانی (رساله عبرانیان باب یازدهم آیه دوازده و انجیل متی باب بیست و چهارم آیه بیست و نه).

* **و مورد سوم** که مد نظر ماست آسمان به عنوان محل زندگی خدا است.

پیش از بررسی مورد سوم، لازم است که توضیحاتی در مورد کلمه ouranos داده شود



اول آن که به نظر می رسد که استفاده این کلمه توسط مسیح و شاگردان به عنوان جایگاه خدا و مکانی برای ابرهای آسمان و ستارگان آسمانی به کار رفته است. دومین نکته قابل توجه آن که کلمه آسمان نمی تواند در این جا مشخصه ای برای جهان بینی دنیای باستان باشد، جهان بینی که مبتنی بر یک رویکرد و رفتارهای عمومی انسان می باشد.

* آسمان خدا از نگاهی دیگر:

هرچند که آسمان خدا به معنی جایگاه مد نظر است اما پرسش کجایی این جایگاه منطقی به نظر می رسد. مسلماً ترتیبی دیگر جدا از دو موردی که در ابتدای این مطلب بدان اشاره شد مد نظر است. آن چیزی که پوشیده و نادیدنی است.

بدین منظور است که در آیات مختلفی در مورد این که آسمان گشوده می شود می خوانیم. به عنوان مثال در انجیل متی باب سوم آیه شانزده می خوانیم: « عیسی پس از تعمید از آب بیرون آمده آن گاه آسمان گشوده شود و او روح خدا را دید که مانند کبوتری نازل شده به سوی او می آید.» و یا در هنگام سنگسار استیفان می گوید: « ببینید من هم اکنون آسمان را گشوده و پسر انسان را در دست راست خدا ایستاده می بینم» (اعمال رسولان باب هفتم آیه پنجاه و شش).





آسمانی که خدا در آن زندگی می کند. در این جا می بینیم آسمان دارای مناطق مختلفی است. هنگامی که نامه افسسیان را می خوانیم این مطلب برای ما روشن تر می گردد. **در این نامه کلمه «آسمان» به صورت جمع به کار برده می شود و منظور آسمان ها یا تعدد آسمان ها است.** به عنوان مثال در افسسیان باب چهارم آیه ۱۰ آمده است: «پس آن کسی که پایین آمد همان است که به بالا رفت. او بالاتر از تمام آسمان ها رفته است تا کلیه کاینات را با حضور خود پر سازد.» و یا در افسسیان باب اول آیه ۲۰ آمده است: «این همان قدرتی است که مسیح را پس از مرگ، زنده کرد و او را در برترین مقام آسمانی، در دست راست خود قرار داد.» در این جا نیز، تفاوت بین آسمانی که خداوند، عیسی مسیح رفته است و آسمانی که او در دست راست خدای پدر نشسته است وجود دارد. در این جا چنین به نظر می رسد که آسمان نادیدنی تا زمین گسترش می یابد.

حال دو موضوع مطرح می گردد: موضوع اول که به آن پرداخته می شود فرمانروایان و اولیای امور و نیروهای حاکم بر این جهان تاریک و نیروهای شیطانی در آسمان است (رساله افسسیان باب ششم آیه دوازده). پس حکمران قدرت های هوا در آسمان تا زمین (رساله افسسیان باب دوم آیه دو). این آسمان نادیدنی که تا زمین نیز گسترش می یابد و کلیسا بر روی زمین و هم زمان در آسمان (رساله افسسیان باب دوم آیات پنج و شش).

بنابراین می توانیم بدین گونه جمع بندی و بیان نماییم که آسمان یک دنیای روحانی است و برای وجود ظاهری ما نا دیدنی است (رساله دوم قرنتیان باب چهارم آیه هجده) و همچنین

پس آسمان خدا برای انسان ها همانند کتابی بسته است مگر آن که برای آنان گشوده شود و برای این آگاهی در مورد آسمان ما به یک مکاشفه خدایی احتیاج داریم.

*آسمان نادیدنی:

اما در مورد آن چه که با مطالعه عهد جدید برای ما روشن می گردد در واقع دو نامه یکی به عبرانیان و دیگری افسسیان است که در مورد آسمان نادیدنی به ما اطلاعاتی می دهند.

در عبرانیان آمده است که مسیح به عرش برین (آسمان) رفته است (رساله عبرانیان باب چهارم آیه چهارده) و به مقامی بالاتر از تمام آسمان ها سرفراز گردید (رساله عبرانیان باب هفتم آیه بیست و شش) در عالم بالا در دست راست تخت خدای قادر مطلق نشسته است (رساله عبرانیان باب هشتم آیه یک).

در این جا به تفاوتی اشاره شده است بین آسمانی که خداوند عیسی مسیح رفته است و





به عنوان یک مکانی که از زمین تا تخت خدا گسترش می یابد.

* آسمان و ایمانداران:



در رساله فیلیپیان باب سوم آیه بیست چنین می خوانیم: «ما تابع کشور آسمانی و منتظر آمدن مسیح خداوند هستیم که به عنوان نجات دهنده از آسمان می آید.» بنابراین ایمانداران سرزمین پدری در آسمان دارند و شهروندان آسمانی هستند. توضیح بیشتر در مورد آسمان در رساله افسسیان باب دوم آیات چهارم تا ششم آمده است: «اما خدا آن قدر در رحمت بخشایش ثروتمند و در محبتش نسبت به ما کریم است که اگرچه به علت خطاهای خود مرده بودیم ما را با مسیح زنده گردانید و به خاطر اتحادی که با مسیح داریم ما را سرافراز فرمود و در قلمرو آسمانی با مسیح نشانید.»

آسمان برای ما مفهوم و معنای بیشتری از سرچشمه برکات آسمانی دارند، ایماندارانی که بر روی زمین زندگی می کنند هم زمان در آسمان نیز حضور دارند.

تاریخی است آسمان نیز دارای همین سابقه ی تاریخی می باشد. **به واسطه ی آمدن مسیح بر روی زمین، رابطه جدیدی بین زمین و آسمان به وجود آمده است.** عبارت در آسمان و بر روی زمین، نمایانگر این امر مهم است که رابطه ای بین زمین و آسمان وجود دارد. در افسسیان باب اول آیه ده آمده است: «قصد خدا این بود که وقتی زمان معین فرا برسد، همه ی ما را در هر جا که باشیم، چه در آسمان و چه بر زمین، با هم در مسیح گرد آورد تا همواره با خدا بسر ببریم.» همچنین در رساله کولسیان باب اول آیه بیست می خوانیم: «در اثر کاری که مسیح در حق ما انجام داد، خدا راهی مهیا کرد تا همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، بسوی خود بازآورد؛ جان بازی مسیح بر روی صلیب و خونی که او در راه ما ریخت، همه را با خدا صلح داده است.»



در این جا رابطه ای بین آسمان و زمین به وجود آمده است همان طور که مسیح در انجیل متی باب ششم آیه ده، دعا می کند: «اراده تو همان طور که در آسمان اجرا می شود در زمین نیز اجرا شود.» به واسطه آمدن مسیح بر روی زمین رابطه جدید بین زمین و آسمان

* سابقه تاریخی آسمان:

به طور کلی می توان موضوع را چنین عنوان نمود که همان گونه که زمین دارای سابقه ای





* آسمان جدید و زمین جدید:

۱ - آن گاه آسمانی تازه و زمینی تازه دیدم. زیرا آسمان و زمین نخستین ناپدید شدند و دیگر دریایی وجود نداشت.

۲ - شهر مقدس یعنی اورشلیم تازه را دیدم که از آسمان از جانب خدا مانند عروسی که برای شوهرش آراسته و آماده شده باشد به زیر می آمد.

۳ - از تخت صدای بلندی شنیدم که می گفت: اکنون خانه خدا در میان آدمیان است و او در بین آنان ساکن خواهد شد و آنان قوم او، و او خدای آنان خواهد بود.

۴ - او هر اشکی را از چشمان آن ها پاک خواهد کرد. دیگر از مرگ و غم و گریه و درد و رنج خبری نخواهد بود، زیرا چیزهای کهنه در گذشته است.

۵ - سپس آن تخت نشین گفت: اکنون من همه چیز را از نو می سازم. و به من گفت: این را بنویس زیرا این سخنان، راست است و می توان به آنها اعتماد کرد.

۶ - به من گفت: تمام شد، من الف و یا، اول و آخر هستم... (مکاشفه یوحنا باب بسیت و یکم آیات یک تا شش)

آمین!

به وجود آمد که در آن آسمان با مسیح به زمین آمده است. با آمدن مسیح، پادشاهی آسمان ها بر روی زمین آمده است.



بدین گونه می بینیم ایمان داران به مسیح هر چند که بر روی زمین زندگی می کنند اما در آسمان نیز حضور دارند به عبارت دیگر هم زمان بر روی زمین و در آسمان حضور دارند. با آمدن مسیح بر روی زمین، آسمان دارای ساکنان جدیدی شده است. در عهد قدیم کسانی که می میرند به سرزمین مردگان وارد می شوند اما بعد از آمدن مسیح به آسمان وارد می گردند. در عهد جدید آمده است که ایمانداران پس از مرگ به بهشت می روند (انجیل لوقا باب ۲۳ آیه ۴۳) و با خداوند در خانه آسمانی زندگی خواهند کرد (دوم قرنتیان باب پنجم آیه ۸)



و در روز داوری از آسمان به زمین می آید و آسمان و زمین در یک هارمونی کامل با یکدیگر قرار خواهند گرفت و خدا با همه شکوه و جلال بر روی زمین همان گونه که در آسمان است خواهد بود و همه آفرینش (آسمان و زمین) تخت و جایگاه خدا خواهد شد و از جلال و شکوهش پرخواهد بود.





مسیح تنها راه نجات

شهادت ن. عزتی

صرفاً یک نگاه انتقادی و سطحی به تناقضات اسلام نبود بلکه آگاهانه و با تمام قلبم به دنبال دست یابی به حقیقت ناب و راستین بودم. در جست و جوی خدایی مهربان و راه و روش صحیح زندگی. در این بین تحصیلاتم را تا مقطع فوق لیسانس در حوزه علوم انسانی ادامه دادم. کنکاش در سایر تاریخ ادیان مرا با دنیایی روشن و جدید آشنا کرد و باعث آشنایی من با گمشده روح و جانم گردید **آری من راه حقیقی و راستین و تنها راه نجات را در عیسی مسیح یافتم.** بر خلاف گفته های رهبر و پیشوای مسلمانان در قرآن که همه از جنگ و خونریزی، انتقام، خشم و غضب، کینه و قهر و عداوت خداوندی خشمگین و بی گذشت، به اسیری بردن زنان و مردان و غارت و چپاول مال و اموال به جا مانده از دیگران در جنگ سخن گفته است و سراسر خشونت و بغض است و نابرابری میان انسان ها (زن و مرد) که همه مخلوق خدایی مهربان و با عشق و محبت هستند، مسیح در کلام مقدس برای ما از مهر و محبت خدایی سخن می گوید که چون پدری مهربان منتظر بازگشت فرزند خطاکار خود است، او را با گرمی و آغوش باز می پذیرد و به ما یاد می دهد که بدی را هرگز با بدی پاسخ ندهیم و با همه مهربان و باگذشت باشیم. **من و تمامی زنان در مسیحیت است که می توانیم جایگاه و ارزش خود را دریابیم. مسیحیت سرشار از آرامش و بخشندگی است ما مهر و محبت و عطوفت را از خدای زنده خود**

من **آنجلا (ن. عزتی)** در خانواده ای فرهیخته در مکتبی پدری اهل تاریخ و تحقیق و مطالعه و دامان مادری معلم بدنیا آمدم با دینی بنام اسلام در شناسنامه ام که در واقع اولین ارث ناخواسته و اجباری برای من بود. با ورودم به مدرسه با تحمیل عقاید مذهبی و خشک از سوی جامعه اسلامی ایران، تبعیض های جنسیتی، مراسم مذهبی بی محتوا و اجباری آن هم به زبانی دیگر (نماز جماعت در مدارس و مراسم دعاها از جمله زیارت عاشورا و دعای کمیل، روزه داری برای دختران نه ساله) مواجه شدم و اولین چالش ها در ذهنم شکل گرفت، نگاه روشنفکرانه پدرم و منابع کتابخانه ای ایشان از همان ابتدا روحیه پرسشگر مرا در جهت یافتن حقیقت بسیار یاری نمود.

دنیای نوجوانیم سرشار از اجبارهای نامفهوم و غیر قابل پذیرش باورهای دینی بود که مدام سرگستگی و نا آرامی روحی مرا در پی داشت. روح حقیقت جویم همیشه به دنبال واقعیت بود اما هر چه این را در اسلام و کتب اسلامی و قرآن بیشتر جستجو کردم کمتر یافتم. اسلام و فرامین اسلامی را سراسر خشونت، تناقض، قوانین ضد حقوق بشری و ضد زن یافتم. به دنبال راهی برای کم کردن فاصله ام با خالق هستی بودم بی واسطه، بی التماس به امامان عرب، بی ترس از وعده جهنمی سوزان بدون رحمت پروردگاری که اسلام نشانم می داد. با گذر زمان و مطالعه و تحقیق و تفحص این چالش ها پررنگ تر شد. حالا دیگر نگاه من





این زمینه از مجله راه صلیب که در دنیای مجازی، فیس بوک منتشر می شود و همچنین درس هایی که در رادیو پیام صلیب موجود هست بسیار استفاده برده ام.

من بارها در کلاس های تدریس برای جوانان جویای حقیقت و راستی، به قیاس بین شریعت اسلام و راه و آیین زندگی در مسیح پرداخته و می پردازم و این را وظیفه خود می دانم که این مژده نجات و خبر خوش جاودانگی را به گوش هم نوعان و هم وطنان خود برسانم، تا آنها نیز فیض عظیم خداوند را دریافت کنند. در انجیل مرقس باب شانزدهم آیه ۱۵ آمده است: «حال باید به سراسر دنیا بروید و پیام انجیل را به مردم برسانید.»

با توجه به این که بیان این مطالب خط قرمز جمهوری مستبد اسلامی ایران است و تا کنون تحت فشارهای بسیاری قرار گرفته ام و بارها تهدید به اخراج از دانشگاه، احضارهای مکرر به حراست و دادن تعهد نامه های متعدد به مسئولین شده ام، اما راه روشن است و از خطرات هیچ واهمه ای نیست به گونه ای که حتی فرزندم را که دارای عقاید روشن است و ایمان به مسیح دارد بارها در مدرسه از جانب معلمین تحت فشار و تهدید و ارباب و تحقیر قرار گرفته است، ولیکن باکی نیست زیرا که **خدا با ماست**. خداوند در کلام مقدس وعده داده است: «و به ایشان تعلیم دهید که تمام دستوراتی را که به شما داده ام، اطاعت کنند. مطمئن باشید هر جا که بروید حتی دورترین نقطه دنیا باشد، من همیشه همراه شما هستم.» (انجیل متی باب ۲۸ آیه ۲۰) و در خاتمه این که هیچ کس نمی تواند به خدا برسد مگر به وسیله ی مسیح، اوست عمانوئیل خدایی که با

مسیح یاد می گیریم که چگونه با دشمنان خود رفتار کنیم؛ بزرگ ترین و زیباترین درس را هنگامی که مسیح بر روی صلیب بود به ما داد در آن حال مسیح گفت: «ای پدر، این مردم را ببخش، زیرا که نمی دانند چه می کنند.» (انجیل لوقا باب بیست و سوم آیه ۳۴)

بر خلاف دین و شریعت اسلام که در آن، من بنده خدا نامیده می شدم پس از ایمان به مسیح و گشودن قلبم بر روی مسیح، شایستگی یافتم که فرزند خدا باشم. اکنون قلب و جان من از روح القدس، به فیض و برکت ورود مسیح به زندگیم پر است و من سکان زندگی خود را به او سپرده ام. اکنون که این سعادت و برکت، و بهتر است بگویم این نجات را که از خداوند مسیح دریافت نموده ام آن را نتوانستم تنها برای خود بخواهم و در ابتدا به خانواده و سپس به دوستانم نیز، بازگو کردم تا آنها نیز نجات را دریافت کنند. من به کار تدریس در دانشگاه نیز مشغول هستم و تمام همت خود را به کار گرفته و می گیرم تا جوانان جویای معرفت واقعی را تا حد بضاعت دانشی و در توانم است، با این چشمه نور و حقیقت آشنا کنم.

هر چند به دلیل هراس حکومت ایران از گسترش مسیحیت و ایمان به مسیح، منابع اطلاعاتی و ارتباط با خواهران و برادران ایماندار و حتی رفتن به کلیسا بسیار دشوار است اما من با کمک منابع اینترنتی، و دوستان ایماندارم در خارج از کشور در کلاس های آموزشی کتاب مقدس از طریق فضای مجازی شرکت می کنم که این کلاس ها توسط یکی از خادمین خدا برگزار می شود و همچنین از تعدادی سایت های اینترنتی برای بالا بردن هرچه بیشتر آگاهی ام استفاده می کنم و در





چون که او با ما ناسپاسان و بدکاران مهربان است. لوقا باب ششم آیه ۳۵



ثانیاً هیچ موردی در کتاب مقدس وجود ندارد که طی آن کسی از مسیح پوزش یا بخشش بطلبد.

بعد از شام آخر، همه ی رسولان به استثناء یوحنا، گریختند؛ پطرس او را انکار کرد. هنگامی که ایشان خداوند قیام کرده را ملاقات کردند، دل پسند می بود اگر ایشان می گفتند که «متأسفیم». اما این کار را نکردند. این بدین خاطر بود که هر که بر چهره ی مسیح می نگرد، در آن آنقدر فهم و محبت می بیند که از پیش مطمئن می شود که او «همه چیز را بخشیده است.» **مسیح خیلی بیش از خود من خواهان نجات من است. او خیلی بیش از من آرزو دارد که به آسمان بروم. یک انسان باید خیلی سریع بدود تا از خدا دور شود زیرا که او با تمام برکاتش به دنبال وی روان است.**

به این دو آیه ای که در کتاب مقدس نمی باشند تکیه کنید. ایمان داشته باشید که او گناهان شما را بر علیه شما نگاه نمی دارد و منتهای آرزوی او این است که شما را بیامزد.

آمین!

یکی از بزرگ ترین زیبایی های کتاب مقدس این واقعیت است که دو آیه در آن وجود ندارد. پیش از هر چیز در کتاب مقدس هیچ آیه ای وجود ندارد که در آن مسیح از کسی پرسیده باشد که:

«گناهان تو چه هستند؟ چه مقدار هستند؟ تحت چه شرایطی بودند؟ با چه کسی بودند؟ به من بگو که آیا گناهانت شامل گناهان قابل اغماض و اهانت های ناچیز می شد و یا جرایم بزرگ.»

در عوض کتاب مقدس به ما می گوید که مسیح از نزد شخصی به نزد شخصی دیگر رفته، می گفت: «آسوده خاطر باش پسر، آسوده خاطر باش دختر، گناهانت بخشوده شد» بی آن که از ایشان سؤال کند که گناهانشان چه بوده است. هم چنین در مورد گذشته تان نیز سؤالی نمی کند.





مسیح پیام آور صلح و دوستی

شهادت مهشید فتاحی



می دیدم، نمی دانستم به کجا بروم و از چه کسی کمک بخواهم. مادرم حالش بد بود و در شیبی او را به بیمارستان بردیم و پزشکان گفتند که

باید بستری شده و سریع عمل شود وگرنه سکتته مغزی خواهد کرد. آن شب تا صبح در کنار بسترش دعا کردم و با همه جان و دل از مسیح کمک خواستم تا مشکلات را از دوشم بردارد و مادرم را شفا دهد. از فرط خستگی، در پایین تخت مادرم به خواب رفتم. در خواب دیدم که مادرم بر روی تخت بیمارستان است در حالی که ملحفه سفیدی روی اوست و من که نمی دانستم او زنده است یا نه به شدت می گریستم و احساس غم بزرگ و تنهایی همه وجودم را پر کرده بود که درب اتاق باز شد و مردی با چهره ای نورانی داخل شد و ملحفه را از روی مادرم برداشت. مادرم در حالی که لبخند می زد بلند شد. او به من و مادرم گفت: نگران نباشید، مشکلات به پایان رسید. حس غریبی داشتم؛ پرسیدم: کی هستید؟ گفت: من نجات دهنده هستم. از خواب پریدم و آن خواب را برای دوست ایماندارم گفتم. او گفت: **آن مرد، مسیح بوده، دعاهای تو را شنیده و خودش را بر تو مکاشفه نموده، تو انتخاب شده ای و مادرت شفا خواهد یافت.** باور نکردم و تصور کردم برای دلخوشی من می گوید. آن روز دکتر به مادرم داروهای جدیدی داد و او مرخص شد. بعد از معاینات متعدد و بررسی پرونده پزشکی مادرم، دکتر معالجتش، داروهایی برای چند ماه او تجویز نمود و بنا شد بعد از این دوره درمانی، برای انجام آزمایش و معاینه مراجعه کنیم. اتفاق عجیب این بود که بعد از این دوره و انجام آزمایشات، هیچ توموری در مغز مادرم دیده نشد و مادرم بهبود یافته بود. آن زمان خواب خود را به یاد آوردم و یقین یافتم که مسیح خدای شفا، مادرم را نجات داده است. **آری خدای زنده صدای مرا شنید و پاسخ گفت و من نیز در قلب خود را به روی خداوند مسیح گشودم و با همه جان و قلب به خدای نجات ایمان دارم.**

به نام خداوند هستی بخش و درود بی پایان به یگانه فرزند او مسیح که حقیقت مطلق است؛ او که از مریم باکره زاده شده و پیام آور صلح و دوستی در دنیا است. او محبت است و در دنیا همه چیز را به آرامی و صلح دعوت می کند. مسیح منبع نور است و اوست که به من آموخت که در بدترین شرایط زندگی، در اوج روزهای تاریکی و ناامیدی، نور و امید هست. مسیح آن نور است که چشمان نابینای مرا، رو به حقایق بینا کرد و مرا حیاتی دوباره بخشید. من اعتقاد راسخ دارم که مسیح خدای نجات و منجی عالم و برقرار کننده صلح و آرامش در دنیا است. به امید صلح و آرامش جهان در نام پدر، پسر و روح القدس آغاز می کنم.

من **مهشید فتاحی**، قبل از ایمان به مسیح، فردی مسلمان بودم. من با مسیحیت از طریق یکی از دوستانم آشنا شدم. با توجه به تجربه شخصی که از دین اسلام داشتم، دید مثبتی به ادیان نداشتم اما اتفاق مهمی در زندگی رخ داد که من با تمامی جان و قلبم به مسیح خدای شفا ایمان آوردم. اتفاق ناگواری که زندگی مرا در بر گرفت، بیماری مادرم، عزیزترین شخص زندگی بود. در کمال ناباوری، برای چند ساعتی مادرم ناگهان حافظه اش را از دست داد و هیچ چیز به خاطر نمی آورد. من که بسیار نگران بودم توانستم قراری با دکتری متبحر ترتیب دهم و بعد از معاینه مادرم توسط پزشک و انجام آزمایشات، مشخص شد که دو تومور در مغز مادرم رشد نموده است. طبق تشخیص و نظر پزشک معالج، تومورها در جای بسیار بدی قرار داشتند و بسیار خطرناک بودند و مصمم بودند که مادرم باید سریعاً تحت عمل جراحی قرار گیرد در غیر این صورت عواقب وخیمی خواهد داشت. متأسفانه مادرم راضی به عمل نمی شد و من در شرایط روحی بسیار بدی قرار داشتم. داستان بیماری خطرناک مادرم را برای دوستم که ایماندار بود، گفتم از او خواستم تا برای مادرم دعا کند. در این شرایط

خود را نیازمند به یک منبع روحانی





* حنا زنی دل شکسته

که تسلی یافت!*

«حنا» به معنای فیض یافته و یا مورد لطف قرار گرفته است. او همسر القانه از نسل لاویان بود. زنی که طعم شیرین داشتن فرزند را نچشیده بود ولی طعم تلخ سرزنش را، به خاطر نازا بودنش، چشیده بود. هرچند او دل شکسته و نا امید بود اما به خداوند و قدرت عظیم او ایمان داشت و همیشه در دعا بود.



دید او را مورد قضاوت قرار داد. حنا نذر کرده، گفت: «ای خداوند قادر متعال، به حال زار من توجه نما. کنیز خود را فراموش نکن و دعای او را اجابت فرما. اگر پسری به من عطا کنی، او را به تو تقدیم می کنم تا در تمام عمر خود وقف تو باشد و موی سرش هرگز تراشیده نشود.» (اول سموئیل باب یکم آیه ۱۱) حنا در قلبش با خدا سخن می گفت اما عیلی کاهن به ظاهر او نگاه کرد. (در اول سموئیل باب شانزدهم آیه ۷ آمده است انسان به ظاهر می نگرد اما خداوند به قلب).

عیلی کاهن او را به اشتباه داوری کرد چون فکر می کرد که حنا مست است ولی چقدر برخورد حنا نسبت به عیلی کاهن توأم با احترام و فروتنی بود که پاسخ داد: «نه ای سرورم، من مست نیستم بلکه زنی دل شکسته ام. من دعا می کردم و غم خود را با خداوند در میان می گذاشتم. گمان نکن که من زنی میگسار هستم.» (اول سموئیل باب یکم آیات ۱۵ و ۱۶)

و بعد می بینیم که خداوند از عیلی استفاده کرده تا به حنا جواب دهد.

در کلام مقدس می خوانیم: «وقتی آنها در شیلوه بودند، روزی پس از صرف غذا، حنا برخاست و به خیمه ی عبادت رفت و با غمی جانکاه به حضور خداوند دعا کرد و به تلخی گریست. (در این موقع، عیلی کاهن کنار در ورودی خیمه ی عبادت در جای همیشگی خود نشسته بود.)» (اول سموئیل باب یکم آیات ۹ و ۱۰) عیلی کاهن، وقتی حنا را در این حالت





آیا تاکنون تجربه کرده اید که با دلی شکسته به حضورش آمده و بعد از سخن گفتن با او تسلی یافته و با اطمینان و اعتماد به او، دگرگون شده و شاد شوید؟
حنا در دعای اولش، آرام و زیر لب و با ناامیدی و اندوه به حضور خدا آمد ولی در فصل دوم می خوانیم که حنا با صدای بلند سروده ای زیبا و پر از شادی را به خداوند تقدیم می کند.

نکات فراوانی درباره حنا هست که اگر تمایل داشته باشید می توانید در فایل صوتی رادیو پیام راه صلیب آن را دنبال کنید.

ما با چه صدایی و ایمانی به حضور خداوند آمده و می سراییم و دعا می کنیم؟
آمین که با صدای بلند و شادمانه و پر از اطمینان، در هر شرایطی برای خداوندمان بسراییم.

آمین!

عیلی گفت: «خداى اسرائیل، آن چه را از او خواستی به تو بدهد! حال، به سلامتی برو!»
حنا از عیلى تشکر کرد و با خوشحالی برگشت و غذا خورد و دیگر غمگین نبود.
(اول سموئیل باب یکم آیات ۱۷ و ۱۸)



چقدر حنا به خداوند اطمینان داشت، که خدا می شنود و در زمان معین عمل خواهد کرد چون زمانی که از عیلى کاهن این سخن را شنید با تمام وجود باور کرد و ایمان داشت که می شود و شد (او جواب ایمانش را دریافت کرد).

کمی بیندیشیم، او ابتدا با غم و اندوه به حضور خدا آمد ولی در چند آیه بعد می خوانیم که او شادمان و پر از امید به خانه اش بر می گردد.

چه چیزی در این زمان رخ داد که او این چنین امیدوار و شاد شد؟ (دعایی با ایمان) از طریق دعا همه چیز عوض می شود. در **دعا قدرت هست.**

حنا در دعایش از خدا پسری درخواست کرد و دقیقاً در همان لحظه ی دعا، یعنی قبل از دریافت جواب دعایش، پسرش را به خداوند تقدیم کرد. چه اطمینانی!





مسیح خداوند نجات

شهادت احمد درسرا

و بسا انبیاء کذب ظاهر شده، بسیاری را گمراه کنند. و به جهت افزونی گناه محبت بسیاری سرد خواهد شد. لیکن هر که تا به انتها صبر کند، نجات یابد. انجیل متی باب بیست و چهارم آیات ۱۱ تا ۱۳ من **احمد درسرا** در شهر برازجان در خانواده مسلمان و متعهد به انجام فرائض مذهبی به دنیا آمدم. بنا به تربیت متعصبانه، که تنها راه نزدیکی به خدا را انجام بدون فکر این فرائض می دانستند رشد کردم و از روی عادت و اجبار این کارها را انجام می دادم در حالی که هرگز نزدیکی به خدا را احساس نکردم. والدینم مرا همیشه از خداوند برای انجام ندادن این عبادات ترسانده بودند؛ از آتش سوزان جهنم و سرب مذاب و هزاران اعمال سختگیرانه و ترسناک همیشه از خانواده شنیده بودم که دروغ و تهمت گناه بزرگی است البته این سخنان بسیار زیبا، فقط در حد حرف بود و هیچ کس به آن عمل نمی کرد. شاهد بودم که چگونه آنان به راحتی روزانه به یکدیگر دروغ می گویند، غیبت می کنند و تهمت می زنند اما در شب های قدر در مساجد تا صبح قرآن را به سر گذاشته و از خداوند بخشش می خواستند و با گریه و التماس و واسطه قرار دادن ائمه می خواستند که خداوند انتقام گیر آنها را به جهنم نیاندازد اما بعد از اتمام آن شب ها دوباره آن رفتار ناپسند، قهر و کینه را از سر می گرفتند. این دوگانگی رفتار من را سر درگم کرده بود و در ناخودآگاهم به دنبال خدایی بخشنده بودم که به هنگام پشیمانی از گناهانت تو را با آغوش باز بپذیرد و ببخشد. بعد از اتمام درس در یکی از ادارات مشغول به کار رانندگی و سرویس شدم. حدود سه سال پیش از طریق اینترنت و فیسبوک مجله راه صلیب با مسیحیت آشنا شدم. معجزه ای رخ داده بود که من با کتاب مقدس آشنا شوم. ابتدا از خواندن کتاب مقدس



در اسلام شناخته بودم، میترسیدم که با خواندن انجیل، او مرا مجازات نماید و بر من خشم گیرد. **هرچه بیشتر کلام**

مقدس را می خواندم در قلبم حضور خدایی مهربان را حس می کردم. خدایی با محبت که فرزند خود را برای گناهان من فدی می کند، خدایی بسیار مهربان که همیشه و همه جا با من است و در سختی ها هرگز مرا به حال خود رها نمی کند و من می توانم فرزند او باشم. حدود یک سال و نیم است که به یک کلیسای خانگی در بوشهر می روم. در نوروز ۱۳۹۶ تعمیر گرفتم و اول از همه ایمان آوردنم را به همسرم گفتم که در ابتدا با او دچار مشکل شدم چون او نیز نه به خواست خود، که به جبر خانواده مسلمان بود و به دلیل تعلیمات مذهبی و بذر ترس و وحشت از خداوندی بسیار انتقام جو که از دوران بچگی در دل ما کاشته می شود، او نیز دچار دلهره شده بود و فکر می کرد که من کافر شده ام. اما به تدریج با کمک روح القدس که راهنمای من در زندگی شده بود او نیز تحت تأثیر تغییر رفتارهای مثبت اخلاقی و رفتاری و گفتاری من شد و با دعا نمودن، قلب همسرم توسط خداوند مسیح لمس شد و او نیز دریچه ی قلبش را بر مسیح گشود و مدت شش ماه است که همسرم نیز با من در کلیسای خانگی و پرستش خداوند همراه و همگام شده است. به راستی که خداوند، خود فرزندان گمشده اش را می یابد و با فیض اوست که ما قادریم خود را فرزند او بدانیم و او را پدر، خوانده و با اطمینان و قاطعیت بگوییم که گناهان ما به دلیل قربانی شدن یگانه فرزندش بر روی صلیب بخشوده شده است و ما حیات جاودان داریم و در روز داوری ما نیز دست راست خداوند خواهیم بود.

از خداوند مسیح نجات همگان را می طلبم و در نام پر قدرت او صلح و آشتی را برای تمام جهان خواستارم. آمین!





مسیح آب حیات

شهادت اکرم زیارتی



از خدا می خواستم که او به راه راست برگردد. جرأت نمی کردم که با خانواده ام حرفی بزنم چون عاشق او بودم و

از این که او را کافر و ملحد بدانند، می ترسیدم. با تهدید به جدایی و رفتارهای عصبی می خواستم که احمد را از ادامه راه منصرف کنم اما او با رفتاری آرام و با مهربانی صادقانه از مسیح برایم می گفت و تشویق می کرد تا کلام خدا را بخوانم ولی من سرسختانه مقاومت می کردم. **اما خواست و اراده خداوندم بالاتر از همه اراده ها است و قلب احمد از روح القدس لبریز شده بود، مرا بشارت می داد و من که شاهد تغییرات جدی در رفتار و گفتار احمد شده بودم نیز خواندن کلام را آغاز کردم.** او دیگر تندخو و عصبی نبود و با من و فرزندم بسیار مهربان تر شده بود. وجودش سرشار از آرامش شده بود و این آرامش در همه جای خانه سایه انداخته بود. دریافتم که این همه آرامش و خوبی از ایمانش به مسیح و عمل به کتاب مقدس است. برآن شدم که با او به کلیسای خانگی بروم. اکنون حدود شش ماه است که ما هر دو در کلیسای خانگی به همراه دیگر ایمانداران با خواندن دعا و سرودهای پرستشی خداوندمان را می ستاییم و آن چنان وجودمان لبریز آرامش می شود و به خداوند نزدیک می شویم که این را هرگز در مکان های مقدس اسلامی تجربه نکرده بودم. خداوندمان مسیح را ستایش می کنیم و او را با شادی می خوانیم و می سراپیم که ما را انتخاب کرد و ما به خود می بالیم که اکنون فرزندان خدا هستیم. من با ایمان مسیح توانسته ام جایگاه خود را بیابم و این که خدای من خدای مهربانی، عشق و محبت است نه خدای انتقام. من با ایمان به مسیح ایمان دارم که به حیات جاودان رسیده ام. در نام قدوس و پر جلال خداوندم مسیح صلح و آرامش را برای تمام جهان و جهانیان خواستارم.

پس فرشته نزد او داخل شده، گفت: «سلام بر تو ای نعمت رسیده، خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی.» انجیل لوقا باب اول آیه ۲۸

من **اکرم زیارتی** در شهر برازجان در خانواده ای مسلمان به دنیا آمدم و با تعلیمات اسلام رشد کردم. از ۹ سالگی به من گفته شد که به سن تکلیف رسیده و انجام فرائض دینی بر من واجب شده است. روزه در گرمای طاقت فرسای برازجان برای کودکی ۹ ساله بسیار دشوار بود اما از آن جایی که از خدا تا حد مرگ می ترسیدم که مبادا از من خشمگین شده و مرا عذاب کند و با وحشتی که از جهنم و آتش سوزان داشتم روزه می گرفتم. به من یاد داده شد بود که باید بی چون و چرا آنچه را خدا در قرآن گفته است اطاعت کرده و انجام دهم و به هیچ عنوان اجازه فکر کردن نداشتم و گرنه مشرک و کافر بودم. **آنچه از تعالیم اسلامی یاد گرفته بودم تفاوتی بزرگ بین مرد و زن بود. در اسلام مرد کامل است و زن ناقص و مردان مالک زنان هستند و هرگونه که مایل باشند می توانند با آنان رفتار کنند. می توانند چهار زن اختیار کنند و زنان حق اعتراض ندارند و از همه غیر انسانی تر این که خون یک مرد معادل دو زن است. یک زن هیچ منزلتی در خانه و اجتماع ندارد. اگر مرد اجازه ندهد همسرش حتی اجازه بیرون رفتن از خانه را ندارد.** این نابرابری و بی عدالتی مرا آزار می داد و در درونم آشوب ایجاد می کرد اما از آن جایی که این فرامین خدا بود من باید سکوت می کردم، می پذیرفتم و مخالفت نکنم. تا این که روزی همسرم به من گفت که می خواهد در موردی با من صحبت کند. تعجب کردم چون تا آن زمان نشده بود که با من صمیمانه صحبت کند. او صحبتش را با عشق و محبت و از خدایی زنده و بخشنده صحبت کرد و با اشتیاق مرا از طریق اینترنت مجله راه صلیب آشنا کرد. من بسیار ترسیده بودم

و شروع به مخالفت کردم. با گریه





مصاحبه با پیمان شعبانلری

مصاحبه با پیمان شعبانلری کشیش کلیسای ایرانی "نوید رهایی" در شهر آمستردام هلند. این مصاحبه در کلیسای پنطیکاستی آمستردام، محل گردهمایی مسیحیان در روز یکشنبه انجام گرفته است.

و خدمتی کنند. ملاقات ما با آنان در واقع جواب دعاهایشان بود و از آن زمان بود که مراسم کلیسایی برای ایرانیان آغاز شد. هر هفته حدود ۷۰ نفر برای مراسم کلیسا حضور به هم می‌رسانند. کلیسای ایرانی به سرعت در حال رشد و گسترش در سطح جهان است. بسیاری از آنان در جستجوی یافتن حقیقت و هویت خود هستند. آنها همیشه در حال تجربه کردن نوعی تناقض بین هویت خودشان و اسلام هستند. خدا می‌خواهد ایرانیان را اکنون نجات دهد.

* از نظر شما مهم ترین رسالت و خدمت رسانی تان در راه مسیحیت چیست؟

مهم ترین کار تعلیم و آموزش دادن به نوکیشان است. مردم خیلی سریع ایمان می‌آورند ولی بسیاری از آنان در مسیر ایمانشان متوقف می‌شوند یا از ایمانشان دست بر می‌دارند. بنابراین کاری که ما انجام می‌دهیم این است که به آنان اصول و مبانی ایمان یعنی تثلیث، بخشش و مفهوم و معنای محبت را آموزش دهیم. در راستای آن جلسات بحث با رهبران کلیسا نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. بسیاری از افراد نو ایمان از صدمات روحی و روانی رنج می‌برند که باید درمان شوند. آموزش در زمینه ازدواج نیز واجب و ضروری است. چون خیلی از افرادی که به هلند می‌آیند از هم جدا می‌شوند. از دیگر خدمات ما اطلاع رسانی و آموزش گسترده به صورت مجازی از طریق رسانه هایی چون فیس بوک، اسکایپ، شبکه های ماهواره ای و تلفن است.

پیمان در سال ۱۹۶۸ میلادی در یک خانواده غیر مذهبی در شهر آبادان واقع در جنوب ایران متولد شد. او هیچ علاقه و تمایلی به اسلام نداشت ولی به شدت در جستجوی یافتن حقیقت بود. احساس تنهایی و پوچی روز به روز در او بیشتر می‌شد تا جایی که وی تصمیم به خودکشی گرفت. او گاه گاهی کتاب مقدس را می‌خوانده است ولی یک روز خدا با وی درباره آیاتی از کلام سخن گفت. از آن لحظه به بعد کتاب مقدس برای وی جایگاه بسیار ارزشمندی یافت و در سال ۱۹۹۹ م. خدا افکار وی را دگرگون ساخت به گونه ای که باعث شد وی معنا و مفهوم زندگی را درک کند. او آرامش جدیدی در زندگی اش به دست آورد و انجام اراده خداوند هدف زندگی اش شد. * چگونه به موقعیت فعلی در سمت کشیش و خادمی کلیسا رسیدید؟

در واقع به صورت طبیعی و خود به خود اتفاق افتاد. انجیل یوحنا را مطالعه می‌کردم که چیزی عمیق در درون من به وجود آمد، مانند آتشی که در من می‌سوخت و باعث شد کاملاً متحول شوم. احساس می‌کردم این همان چیزی بود که سال ها در جستجویش بودم و آن همان کلام خدا بود. از آن زمان یعنی سال ۱۹۹۹ م. بود که شروع کردم به صحبت کردن با اطرافیانم با شور و اشتیاق فراوان راجع به آنچه که دریافت کرده بودم. در آن زمان گروه ایمانداران ایرانی تنها در شهر (Den Bosch) و آلمره (Almere) بودند. بعدها به آمستردام آمدم و در سال ۲۰۱۲ م. از کلیسای پنطیکاستی درخواست کمک کردم. آنها هم چندین بار دعا کردند تا بتوانند به خارجی ها کمک





* زیباترین تجربه ای که داشته اید چه بوده است؟

زیباترین شان پیام های آنلاینی هستند که ما تقریباً به صورت روزانه دریافت می کنیم. به عنوان مثال فردی که در شرف خودکشی بود ولی زمانی که پیام مرا در یکی از رسانه های مجازی دید، چنان تحت تأثیر قرار گرفت که به دنبال آدرس وب سایت رفت. سپس در آن جا در مورد مسیح خواند، جایی که کلام می گوید « ما می توانیم عیسی مسیح را به قلبمان دعوت کنیم»؛ اتفاقی که در مورد وی افتاد و از آن به بعد او یکی از پیروان مسیح شد.

مثال دیگری که داشتیم یکی از افسران ارتش بود که خود مسلمان بود و به دیگر افسران تعالیم اسلام را آموزش می داد ولی زمانی که پیام مرا شنید و فهمید که مسیح همان حقیقت و حیات است، پرسید که حالا باید چه کند؟ او می گفت که دیگر هیچ اعتقادی به دروسی که به افسران آموزش می داد ندارد و در ادامه روح القدس به او نشان داده بود کدام یک از افسران برای شنیدن کلامش آماده و مستعد هستند، به همین جهت او شروع کرد به صحبت نمودن با هر یک از آنان در مورد مهم ترین دروس کتاب مقدس، بدون اشاره به ذکر این نکته که آن مطالب از کتاب مقدس مسیحیان هستند.

* به نظر شما کلیساهای مهاجر (کلیساهای غیرهلندی) چگونه می توانند برای کلیساهای هلندی نقش مفیدی ایفا کنند؟

همیشه این گونه بوده است که هر وقت انسان ها مشکلی داشتند، به جستجوی خدا می رفتند. طی قرون گذشته مسیحیت به همین سبب در سراسر اروپا گسترش پیدا کرد. در حالی که الآن مردم فکر می کنند دیگر نیازی به خدا ندارند. در

عوض بر این باورند که ایمان مفهومی است متعلق به گذشته و در زمان حال جایگاهی ندارد. ولی ما مسیحیان مهاجر توانستیم حامل این پیام باشیم که ایمان فقط متعلق به گذشته نبوده بلکه هم اکنون نیز وجود دارد. ایرانیان با پیشینه اسلامی به مسیح ایمان می آورند درست همانند ایمانداران در زمان ظهور مسیحیت. همان گونه که مبلغین اروپایی در زمان های گذشته پیام مسیح را در سرتاسر جهان می بردند، هم اکنون این پیغام از طریق آنان از سرتاسر دنیا به جهان غرب برده می شود تا آنان ایمان از دست رفته خود را باز یابند.

* در چه مواردی کلیساهای مهاجر به کمک و حمایت نیاز دارند؟

ما از همکاری و مشارکت کلیسای پنطیکاستی بسیار خوشحال و راضی هستیم چرا که با در اختیار قرار دادن محلی برای اجرای مراسم هفتگی کلیسا و همچنین به عنوان دفتر کار کمک شایانی به ما کرده اند. اگر کلیساهای هلندی بیشتری از این نمونه سرمشق بگیرند، به نوبه خود برکت بزرگی برای کلیساهای مهاجر خواهد بود. آموزش و تعلیم به رهبران کلیساهای مهاجر نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که آنان قادر خواهند بود با توجه به بهره مندی از یک پیشینه فرهنگی مشترک، مبانی و تعالیم مسیحیت را بهتر به نوکیشان آموزش دهند. اما یک مشکل فرهنگی که در این میان وجود دارد این است که کلیساهای ایرانی بعضاً یکدیگر را قبول ندارند؛ در حالی که مهم ترین مسأله همکاری و مشارکت با یکدیگر می باشد تا به نوبه خود نیز، نمونه و شاهد مثالی خوب و شایسته برای دیگران باشیم. الآن همان زمان مناسب برای بیداری ایرانیانی است که در سراسر جهان پراکنده شده و به دنبال شناخت حقیقت هستند؛ به همین سبب است که باید از این فرصت استفاده کنیم و پیام خوش رهایی از طریق عیسی مسیح را به گوش افراد بیشتری برسانیم. آمین!



Rahe Salib

ولی ما مسیح مصلوب را وعظ می کنیم
که فراخوانندگان را، ... قدرت خدا و حکمت خداست.

اول قرنیتیان ۱: ۲۳ و ۲۴

As for us we proclaim the crucified
Christ ,...

1Corinthians 1:23 - 24



First International Quarterly For Christians

سال هفتم شماره ۲۱ صفحه ۲۰ تیراژ ۳۰۰۰ نسخه February 2018



شما عزیزان می توانید لیست بسیار خوبی از کلیساهای فارسی زبان و کلیساهایی با ترجمه فارسی را در وب سایت Gave به آدرس زیر پیدا کنید:

<https://www.gave.nl/bibliotheek/anderstalige-kerkdiensten>



A very good list of Farsi churches and churches with Farsi translation you can find at the website of Gave

<https://www.gave.nl/bibliotheek/anderstalige-kerkdiensten>

